

ماجرای فرودگاه امام خمینی (ره)

و توهم ۲۰ میلیون گردشگر

در فاصله حدوداً ۳۰ کیلومتری جنوب تهران در یک انشعاب از اتوبان تهران-قم؛ تابلوی کوچکی جلب توجه می‌کند که شما را به سمت مهم‌ترین فرودگاه بین‌المللی ایران هدایت می‌کند. زمانی دولتمردان ایران با علم به پتانسیل‌های گردشگری و موقعیت جغرافیایی خاص این مرز و بوم و امکان به وجود آوردن مرکز ترانزیتی پروازهای شرق و غرب و همچنین با توجه به قرار گرفتن فرودگاه مهرآباد در محدوده شهر تهران؛ طرح ساخت فرودگاهی در خور نیازهای توسعه کشور را در نقطه‌ای در منطقه جنوبی تهران در دستور کار خود قرار دادند.



سال‌ها گذشت و این فرودگاه که قرار بود تبدیل به یک افتخار برای کشور ما بشود؛ پس از طی فراز و نشیب‌های بسیار؛ سرانجام به بهره‌برداری رسید و به نام بنیانگذار یکی از باشکوه‌ترین انقلاب‌های قرن بیستم؛ امام خمینی (ره) نامگذاری شد. در واقع قرار بود این فرودگاه نقشی بسزا در معرفی تمدن و توانایی‌های ایران امروز به هر فردی که قصد ورود یا خروج از ایران را از مجرای پایتخت دارد، عهده‌دار باشد. اما... تنها بارش یک برف سنگین زمستانی باعث خلق صحنه‌هایی در این مکان شد که آرزوهایمان را بر باد رفته حس کنیم.

موضوع از این قرار است که با ورود یک جبهه هوای سنگین که خوشبختانه با پیش‌بینی و هشدار به موقع سازمان هواشناسی کشور همراه بود؛ تمامی سازمان‌های مسئول در کشور؛ خود را آماده استقبال از این برکت الهی کردند. مطابق پیش‌بینی؛ تعداد زیادی از پروازهای فرودگاه‌های کشور هم لغو شدند، اما ظاهراً مدیریت فرودگاه‌ها و در راس آنها فرودگاه امام (ره) به عنوان مهم‌ترین فرودگاه ایران؛ در زمانی که مدیران دیگر دستگاه‌ها با تمام توان مشغول برنامه‌ریزی برای گذر از این شرایط اضطراری بودند؛ در خواب غفلت به سر می‌بردند. نتیجه این غفلت؛ سرگردانی هزاران مسافری بود که هماهنگ با برنامه‌های پرواز خود راهی فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) شده بودند. در طی سه روز افزون بر یکصد پرواز ابطال شد و مسافرین این پروازها؛ بدون دریافت هیچ پاسخی در محوطه فرودگاه به امان خدا رها شدند. شما در طی این چند روز اگر گذارتان به این فرودگاه می‌افتاد تنها با سه دسته از نیروهای مستقر در فرودگاه مواجه می‌شدید. دسته اول مأمورین انتظامی بودند که بسیار فراتر از وظیفه خود و با صبوری

تحسین برانگیز به ارائه خدمات به مردم سرگردان مشغول بودند. دسته دوم نیروهای اطلاعات پرواز بودند که بی اطلاع از همه جا تنها تلاش می کردند با یک لُبخند گرم از فشار موجود بر مراجعہ کنندگان به این فرودگاه بین المللی بکاهند و دسته سوم کارمندان رستوران ها و کافی شاپ های فرودگاه بودند که به شکلی خستگی ناپذیر درگیر سیر کردن مسافران گرسنه‌ی در راه مانده، بودند. قیمت یک لیوان چای ۶۰۰ تومان ناقابل بود. تازه اگر در روز سوم چای وجود داشت و گرنه باید به صرف کاپوچینو و ... به حساب جیب خودتان می‌شدید.

در آن شرایط با کسی برخورد کردم که سه شبانه روز بود که در این فرودگاه گیر افتاده بود و افزون بر یکصد هزار تومان برای سیر کردن شکم خود و مسافرش هزینه کرده بود.



راستی مگر نه این است که تامین امکانات اولیه موردنیاز برای حیات و پرداخت هزینه افراد در راه مانده بر عهده بیت المال است؛ پس چگونه است که تقریباً تمامی کسانی که در این مدت طولانی در فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) گرفتار بدی شرایط جوی و بی‌برنامگی مسئولان فرودگاه شده بودند؛ به ناچار شب‌ها را بر روی تکه‌ای کارتن به صبح رسانده و برای تامین مواد غذایی میهمان جیب خود بودند! در آنجا با صدها نفر برخورد کردم که از یک شبانه روز تا سه سه شبانه روز را در فرودگاه به این وضع اسفبار سپری کرده بودند.



با خانمی مواجه شدم که از ته دل گریه می کرد و می گفت: "پس از ۳۰ سال که عازم وطن شدم در این جهنم گرفتار آمدم. سه روز است در فرودگاه گیر افتاده‌ام و هیچ کس نیست که به من بگوید چه وقت عازم می‌شوم. اگر فردا عصر سر کارم نباشم کارفرمایم اخراج می‌کند. حداقل به من زمانی را بگویید تا بتوانم مرخصی‌ام را تمدید کنم" و البته واقعا کسی جوابگویی او نبود.

در ۱۰ ساعتی که در فرودگاه بودم؛ هیچ کس را به جز آن سه دسته ندیدم که به مردم خدمات

رسانی کنند؛ نه کارمندان خطوط هوایی؛ نه مدیر و کارمندان ترمینال و نه مدیریت محترم فرودگاه امام خمینی (ره).

هرگز حال آن پیرزن آذری زبان را فراموش نمی‌کنم که تنها و درمانده بیرون در اطاق کمک‌های اولیه بر روی یک برانکارد و پس از انجام یک عمل جراحی ترمیم شکستگی لگن، به حال خود رها شده بود. همراه او درگیر انجام کارهای اداری لازم بود. اما نه پزشکی و نه پرستاری در این فرودگاه که می‌توانست در اولین برخورد مایه کسب آبرو باشد؛ وجود نداشت که به داد این پیرزن برسد. در آنجا با مسافرائی مواجه شدم که بعضاً پس از گذراندن ۱۲ ساعت ملال آور در داخل هواپیما؛ آن‌هم بدون هیچ امکانات اولیه‌ای مانند پتو و ... به سالن فرودگاه بازگردانده شده بودند و تازه این آغاز یک انتظار طولانی بود. در همان مدت چند هواپیما از زمین بلند شدند؛ یکی ساعت ۴ صبح؛ دیگری ۹ صبح و ... هرچه کردم با توجه به شرایط موجود نتوانستم رابطه مشخصی بین پرواز هواپیماها و شرایط جوی و محیطی موجود پیدا کنم. در همین احوال بود که با یکی از دوستانم در یکی از واحدهای ویژه جمعیت هلال احمر تماس گرفتم و از او جویای دلیل عدم حضور نیروهای امدادی در فرودگاه شدم. پاسخ مشخص بود: "ما آماده ایم اما یک نفر از مقامات مسئول فرودگاه باید



به ما اعلام بحران کند تا ما در محل حاضر شویم" و هرچه گشتم بر خلاف سال‌های قبل؛ هیچ مقام مسئولی را در آنجا پیدا نکردم. وقوع شرایط نامتعارف جوی در هر مکانی می‌تواند موجب ایجاد موقعیت اضطراری بشود. در این مورد بر کسی ایرادی وارد نیست؛ اما آنچه در این بین غیرقابل قبول است عدم حضور مسئولان در صحنه بحران؛ سوء مدیریت ایشان و عدم استفاده از امکانات موجود است؛ چیزی که در حد نهایت شاهد وقوع آن در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) بودیم.

راستی واقعا چه اتفاقی می‌افتاد اگر مدیریت محترم فرودگاه امام خمینی (ره) با اعلام بحران موجود به ستاد بحران و از طریق یکی از سازمان‌های امدادی مانند جمعیت هلال احمر تعدادی پتو و چای و اخیانا غذایی ساده را برای این مردم در راه مانده فراهم می‌کرد؟ راستی چه اتفاقی می‌افتاد اگر ایشان با فراخواندن نیروهای تحت اختیار خود؛ به جای پنهان شدن پشت درهای محکم اطاق‌های گرم و نرم خود؛ به ارائه خدمات به مردم درمانده می‌پرداخت؟ هرگز از یاد نمی‌برم رفتار شهید باکری را که در زمان تصدی مسئولیت شهرداری ارومیه؛ زمانی که هنگام وقوع یک سیل؛ بیل به دست گرفت و در کنار نیروهای تحت اختیار خود به خدمت رسانی به خلق خدا مشغول شد.

با مواجه شدن با این صحنه‌های خجالت بار که تنها معلول سوء مدیریت حاکم بر فرودگاه امام خمینی (ره) هستند؛ حتماً حال من را به عنوان یک ایرانی مسلمان و به عنوان یک کارشناس گردشگری که در آرزوی تحقق آرزوی بزرگ ۲۰ میلیون گردشگر ورودی برای سال ۱۴۰۴ هجری خورشیدی قرار دارم؛ درک می‌کنید.



راستي واقعا در زماني كه ما تنها از عهده جمع و جور كردن يك فرودگاه بين المللي آن هم با آمار پرواز حداكثر ۶۰ پرواز خروجي در شبانه روز؛ در شرايط برفي برنمي آييم؛ صحبت كردن از توسعه گردشگري و تجارت و تبديل شدن ايران به قطب بزرگ اقتصادي منطقه خاورميانه غيرقابل باور به نظر نمي آيد. آنچه در اين گزارش ذكر شد؛ تنها گوشه اي بود از ذكر مصيبت كساني كه با پرداخت هزينه هاي گزاف؛ لايق دريافت خدماتي شايسته از فرودگاه بين المللي امام خميني (ره) در کشور جمهوری اسلامی ايران بودند.



طبعاً واكنش مسئولين محترم در صورت انتشار اين گزارش مشخص است؛ توجه و كوچكنمايي مشكلات موجود در اثر سوء مديريت خود. در اين مورد لازم مي دانم تصاوير ضبط شده توسط دوربین هاي مدار بسته فرودگاه امام خميني (ره) از كارتن خوابي چند شبانه روزي مسافران اين فرودگاه؛ غيبت و يا حضور ناكافي مديران و پرسنل مسئول در فرودگاه و خطوط هوايي و شهادت هزاران نفري را كه در اين ناكجا آباد به امان خدا رها شده بودند به عنوان شاهد گزارش خود بگيرم

روايتي ديگر :

يكي از مسافران از امكانات رفاهي و خدماتي فرودگاه امام خميني (ره) انتقاد کرده و آورده است: آقا شما را به خدا، دو كلمه درباره اين فرودگاه امام كه هيچ امكاناتي ندارد، بنويسيد.

من مسافر ساعت ۷ صبح روز چهارم ژانويه دبي بودم كه ساعت ۵ صبح به خاطر برف شديد و بالا نرفتن ماشين از خيابان با شيب تند، مجبور شدم دويست متر از راه را با بار و بنه و دو بچه خردسال، پياده آن هم مثل مرده هاي از گور گريخته بروم و خود را به فرودگاه برسانم، اما پس از اين همه بدو بدو، بدون برنامه، به ما كارت پرواز دادند و سپس تا ساعت ۷ شب، ما را گرسنه نگه داشتند دريغ از يك ساندويچ خالي، به علت ازدحام جمعيت ساندويچ چهار سوپر تمام شد و گفتند پرواز كنسل شده، برويد خانه هاي تان .

و این تازه اول راه است؛ با این اوضاع دریغ از يك تاکسی، آن هم در این سرما و دو بچه و اثاثیه و ... خلاصه پنجاه هزار تومان دادیم تا میدان آزادی برسیم؛ وسط برف و سرمای وحشتناک پیاده‌مان کرد. خدایا، این بچه‌ها که ذات‌الریه کردند! حال بگویید فرودگاهی که آن هم وسط يك بیابان ساخته می‌شود، رستوران، هتل سرویس مرتب رفت‌وآمد نمی‌خواهد؟

مگر این رانندگان تاکسی، خانه خاله است تا کمی هوا پس افتاد، غیبتشان بزند و مسافران بدبخت را به حال خود رها کنند؛ تازه دو روز بعد هم به‌رغم يك روز آفتابی، خوب همه هواپیماها در هم پیچیده بودند؟ جای تأسف است که کل این فرودگاه، دو تا ماشین حمل هواپیما ندارد؛ محض رضای خدا فکری به حال این کار نسجیده کنید

مقایسه این مساله در کشورهای دیگر از زبان یکی از هموطنان ما



مدتی پیش مسافرین تایلند - منجمله بنده - در فرودگاه دبی ۶ ساعت معطل شدند (بعد فهمیدیم تایلند کودتا شده!) و هواپیمایی امارات گفت اگر تاخیر به هشت ساعت برسد طبق مقررات بین المللی کل پرواز را کنسل می کنیم و همگی شب را در هتل مهمان ما هستید. ما هم که حسابی خسته شده بود و تا آن لحظه دعا می کردیم پرواز راه بیفتد بلافاصله تغییر دعا داده! و از خدا خواستیم تاخیر به هشت ساعت

برسد! البته با کمک کودتاچیان تایلندی دعایمان مستجاب شد و یکروز و نیم در هتل رزیدنس دبی(با پذیرایی شاهانه!) اطراق کردیم!

با مینی بوسهای شش نفره و مجهز به هتل منتقل شدیم. در آنجا هر مسافر یک اتفاق بزرگ و لوکس با تخت دو نفره به علاوه تمام امکانات لازم را داشت. تلفن هم در اختیارمان گذاشتند تا به هر جای دنیا که بخواهیم زنگ بزنیم و وضعیتمان را شرح دهیم. به محض ورود به هتل هم گفتند که اگر کسی مشکل جسمی دارد بگوید تا حمایت پزشکی بشود. بوفه و رستوران هتل بطور ۲۴ ساعته و با انواع و اقسام خوراکی ها در خدمت مسافرین بود و خدمه آنجا هم واقعا خدمتگزار مهمانهایشان بودند. با اینکه هواپیمایی امارات در تاخیر پیش آمده اصلا مقصر نبود ولی با اینحال چندین بار از ما عذرخواهی کردند راستش را بخواهید آن یک شبی که هواپیمایمان تاخیر داشت به لطف هواپیمایی امارات و مسئولین فرودگاه و هتل اماراتی خیلی بیشتر از خود تایلند به ما خوش گذشت! در همان شش هفت ساعتی هم که در فرودگاه بودیم هواپیمایی امارات به ما ژتونهایی را داد که با آن دو وعده غذای گرم و بسیار عالی میل کنیم ضمنا بنده به عنوان یک ایرانی و با بلیط درجه سه مسافر آنها بودم.

